

نگاهی به جغرافیای تاریخی لرستان با تکیه بر شاپورخواست

افسانه معتمد^۱

حمیده مظفری^۲

چکیده

لرستان به معنای سکونتگاه مردم لر، واژه‌ای است که به سرزمینی لرنشین اطلاق می‌گردد و به معنای گستره‌ی جغرافیایی است که مردم لر در آن سکونت دارند. آب‌وهوا، کوه، جنگل و رود کالبد وجودی این مرزوبوم را به خود اختصاص داده است. این شرایط جغرافیایی بر سرنوشت مردمی کهن در سرزمینی به قدمت تاریخ متأثر بوده و این آب‌وخاک را نزد حکومت‌های باستان ایران دارای اهمیت نموده است. قلعه شاپورخواست فانوس سرزمین لرنشین، خود دلیل بر قدمت این مرزوبوم است. این تحقیق در ردیف تحقیقات تاریخی است که اطلاعات مربوط به آن به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و به صورت توصیفی و تحلیلی به نگارش درآمده است. هدف از انجام این پژوهش آن است که در ابعاد مختلف، شرایط تاریخی و جغرافیایی لرستان، نقش و تأثیر شاپورخواست در اهمیت لرستان نزد دولت‌های باستان مورد بررسی قرار گیرد. با بررسی‌های انجام شده پیرامون پژوهش می‌توان دریافت که سرزمین لرستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی برای حکومت‌های باستان راه ارتباطی مناسبی میان شرق و غرب، شمال و جنوب بوده است. در این مقاله به مواردی چون، شرایط آب‌وهوایی، موقعیت جغرافیایی، جایگاه لرستان در ارتباطات حکومت‌های باستان، قلعه‌ی فلک‌الافلاک، شاپورخواست و اهمیت آنها در سرنوشت لرستان اشاره شده است.

کلید واژه ها: لرستان، شاپورخواست، قلعه، کوه، راه.

Take a look at the historical geography of Lorestan, relying on Shapur khast abstract

Lorestan means the settlement of the people of Lor, a term used to refer to the territory of Lereshin, which means the geographical area in which the people of Ler live. The climate, mountains, forests and the river of the existential body of this marzobum have been allocated. This geographic situation has affected the ancient fate of the people in the history of history, and has made this waterbush important to the ancient Iranian governments. The fortress of Shapurkhast is the lantern of the Lereshin land. This research is in the field of historical research, the information on which has been collected in a library and descriptive and analytical. The purpose of this research is to investigate the role and effect of Shapur khast on the importance of Lorestan to the ancient states in various aspects, historical and geographical conditions of Lorestan. The researches carried out on the research indicate that the land of Lorestan has been an appropriate means of communication between the East and West and the

^۱ . دانشجوی دکتری تاریخ قبل از اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد. motamedafsaneh@gmail.com

^۲ . دانشجوی دکتری تاریخ قبل از اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد. Hmozafari146@yahoo.com

Northwest in terms of the geographical situation of the ancient governments. In this article, some cases such as climatic conditions, geographical location, the status of Lorestan in the communication of ancient regimes, Falakalafalak fortresses, Shapur Zakhand and their importance in the destiny of Lorestan are mentioned.

Keywords: Lorestan, Shapourkhast, Castle, Kuh, Roa.

مقدمه

محدوده‌ی جغرافیایی که شامل کوهستان، جنگل، رود و دشت می‌گردد، سرزمینی را می‌سازد که اگرچه لباس متنوع آب‌وهوایی بر تن دارد، اما گاهی خشن و گاهی آرام طبیعت را نوازش می‌دهد. در جای‌جای این محدوده‌ی جغرافیایی مردمی ساکنند که سازنده‌ی تاریخی کهن شوند، مردمی که سال‌ها با نام کاسی بر این آب‌و خاک سلطه داشتند و توانستند زمانی بر بین‌النهرین مسلط شوند. این سرزمین به لحاظ قرار گرفتن در معبر ارتباطی شرق به غرب و شمال به جنوب، روز به روز نزد دولت‌های باستان افزوده شد، آنچه که سبب ثبت این مرزوبوم در دفتر تاریخ کهن ایران گردید، شهر شاپورخواست است. شهری که خود پیرامون قلعه‌ای نظامی بنام دژ شاپورخواست بنا گردید. این محدوده‌ی جغرافیایی لرستان نام گرفت، سرزمینی که مردمش لر و لک تبارند. اگر چه چندان آثار مکتوب در مورد وضعیت لرستان در ادواریه باستان نداریم، اما آثار بجا مانده از این دولت‌ها در لرستان مانند سبک معماری، پل‌ها و نقاشی‌ها خود گواهی بر اهمیت لرستان می‌باشد. این تحقیق که به صورت توصیفی و تحلیلی به نگارش درآمده است از یک سوال اصلی و دو سوال فرعی تشکیل شده است:

سوال اصلی: شاپورخواست چه جایگاهی در جغرافیای تاریخی لرستان داشته است؟

سوالات فرعی:

- ۱- اهمیت شاپورخواست در دوره‌های باستان چه بوده است؟
 - ۲- شرایط جغرافیایی تا چه حد بر تاریخ لرستان تأثیر گذاشته است؟
- فرضیه اصلی:** شکل‌گیری شاپورخواست که علت وجودی آن بر مبنای عوامل جغرافیاییست، وجود کوهستان‌ها و استحکامات طبیعی در این شهر به ایجاد دژ شاپورخواست منجر گردید.
- فرضیه‌های فرعی:** ۱- شاپورخواست به دلیل راه ارتباطی نزد دولت‌های باستان اهمیت داشت. ۲- قرار گرفتن در حوالی بین‌النهرین و وجود کوه‌ها و رودها که دولت‌های باستان را به نقاط مختلف متصل می‌کرد، در این پژوهش سعی گردیده است که با مطرح کردن وضعیت جغرافیایی لرستان، تأثیر آن بر اهمیت تاریخ منطقه مورد توجه قرار گیرد و همچنین قلعه شاپورخواست و اهمیت آن در جایگاه لرستان در تاریخ اشاره شود. اما از آنجایی که منابع دست اول به وضوح در مورد لرستان سخن نگفته‌اند یا مطالب گفته شده بسیار شبیه به یکدیگر می‌باشد، امکان استفاده از کتب متعدد را دشوار می‌ساخت.

موقعیت جغرافیایی و آب‌وهوایی لرستان

سرزمینی که امروز مشهور به لرستان است، سرزمینی است پهناور که از شمال به نهاوند، از شمال‌غربی به استان کرمانشاه، از جنوب و جنوب‌غربی به استان خوزستان، از شرق به استان اصفهان و از شمال‌شرقی به رشته‌کوه‌هایی که ملایر و بروجرد را در میان می‌گیرد، ختم می‌گردد. لرستان مرکب است از سلسله‌کوه‌هایی برآمده و کاملاً موازی که توسط دره‌هایی عمیق از غرب ایران به سمت جنوب‌شرقی کماکان از یکدیگر جدا می‌شوند. «بیشتر خاک لرستان را رشته‌کوه‌های مرتفع و یا کم‌ارتفاع در بر گرفته و به جهت نبودن دشت‌های وسیع، امکان شهرسازی در مناطق مختلف آن میسر نیست.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۷۱) سرزمین لرستان به دلیل شرایط آب‌وهوایی دارای رودهای پر آبی می‌باشد، که این رودخانه‌ها نقش مهمی در تقسیم این سرزمین ایفا کرده‌اند. «... این استان کوهستانی بوسیله رودخانه‌هایی که در آن جاری است به دو بخش تقسیم شده است، لر بزرگ در جنوب و لر کوچک در شمال، میان این دو بخش یعنی لر بزرگ و لر کوچک شعبه اصلی رودخانه‌ی کارون علیا فاصله گردیده است.» (لسترینج، ۱۳۹۰، ۲۱۶) وجود چشمه‌سارهای فراوان، کوه‌های پوشیده از برف و جنگل‌های انبوه موجب اعتدال هوا در بخش‌های میانی و شمالی لرستان شده است. در لرستان چند گونه نمونه‌ی آب‌وهوایی وجود دارد که به جاذبه‌های این استان افزوده است. آب‌وهوای لرستان تقسیم می‌شود به مناطقی چون:

کوهستانی: زمستان‌های پر برف دارد و از ذوب آن برف‌ها چشمه‌سارهای متعدد ایجاد می‌گردد. دره‌ها: در لرستان تعدادشان زیاد است، دارای تابستان‌های گرم و خشک و در سایر فصل‌ها بارندگی در آنها زیاد است. بزرگ‌ترین مانع که باعث جلوگیری از وزش بادهای شمالی در این منطقه می‌شود، کوه اشترانکوه است.

جنگل‌ها: میان صیمره و کوه‌های خرم‌آباد واقع شده است و اگرچه در تابستان بارندگی ندارند ولی به واسطه وجود دختان انبوه در بالای دامنه کوه‌ها هوای آنجا هیچگاه رو به خشکی نرفته و یا خیلی سرد نمی‌شود.

گرمسیر: که مکان قشلاق تیره‌های مختلف می‌باشد. (به نقل از رشیدیان، ۱۳۸۱، ۵) نقشه لرستان در قسمت پایانی نشان داده شده است. (شکل شماره ۱، ۱۶)

مشخصه‌های جغرافیایی لرستان (کوه، رود، جنگل)

در لرستان کوه‌های زیادی موجود است اما از میان همه آنها دو کوه مشخص‌تر است، یکی کوهی در قسمت کوه‌های جنوبی واقع شده است و به «کوه کور»^۱ معروف می‌باشد. «... چون دیواری عظیم لرستان را به دو قسمت پشتکوه و پیشکوه تقسیم می‌کند.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۱، ۸) دوم «کوه گری»^۲ که در اصطلاح محلی گرین گفته می‌شود در میان کوه‌های شمالی لرستان. «... خط مستقیم از بیستون تا کارون یعنی از شمال باختری به جنوب خاوری کشیده شده و اشترانکوه دنباله‌ی آن است.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۱، ۹) دو رود مهم لرستان به نام‌های «کشکو»^۳ که از کوه گری در الشتر سرچشمه می‌گیرد و رود «صیمره» که پیش از تاریخ تاکنون، نقش زیادی در زندگی ساکنان لرستان و در مسیر خود داشته‌اند در مکانی به نام «چم مهر»^۴ در جنوب‌غربی پلدختر بر سر راه «دره شهر» کنونی یا مهرگان کوه باستانی به هم می‌ریزند و از آن پس تنها با نام صیمره روان می‌شود. بخشی از سرزمین لرستان را جنگل‌ها به خود اختصاص داده‌اند. عمده درختانی که در این جنگل‌ها رویش دارند به ترتیب زیر می‌باشند: بلوط: «جنگل‌های بلوط زاگرس که دنباله جنگل‌های غربی ایران از حدود آذربایجان شروع شده و قسمت اعظم آن در منطقه لرستان و کردستان می‌باشد و تا به ناحیه فارسی قطع می‌گردد.» (رشیدیان، ۱۳۸۱، ۵۸) انجیر کوهی - بادام کوهی - بنه: پسته وحشی و در اصطلاح محلی کلنگ^۵ - زال زالک در اصطلاح محلی گیرج^۶ - گلابی کوهی - کنار - کیکم^۷ «چوب این درخت برای مصرف سوخت و هیزم بکار می‌رود چون در چوب آن روغن وجود دارد و تا آخر خوب می‌سوزد.» (رشیدیان، ۱۳۸۱، ۶۰)

علاوه بر درختان جنگل حیواناتی نیز مناطق جنگلی لرستان را زیستگاه خود قرار داده‌اند، حیواناتی از قبیل: روباه - کفتار - خرس - پلنگ - گراز - آهو و گوزن - بز کوهی و قوچ. با وجود حیواناتی چون بز کوهی، شکار از جمله کارهایی بود که هم جهت تفریح و هم جهت تغذیه‌ی ساکنین در این استان مرسوم بود. «... ما خرس‌هایی را در کمین گوزن‌ها و گرازها دیده بودیم... ما نزدیک آب، گله‌های غزال را به دسته ده و دوازده تایی در کنار صیمره‌سفلی دیدیم، اما صدای تیر به سرعت این گله‌ها را پراکند.» (دمرگان، ۱۳۳۹، ۱۹۸) پرنندگان هم از دیگر جانورانی بودند که در لرستان به زیست خود ادامه می‌دادند مانند کبک، شاهین، عقاب، کبوتر، ...

عوامل جغرافیایی سبب تنوع فعالیت‌های اقتصادی در جلگه و کوه شده است، در جلگه‌ها فرصت بهتری برای توسعه راه‌ها و کشاورزی و تجارت وجود دارد، اما در کوهستان سرسختی طبیعت و

- 1- Kavar
- 2- Garri
- 3- Kasko
- 4- Cham Mehr
- 5- Kolang
- 6- Girch
- 7- Kicm

محدودیت‌ها باعث می‌شد برای تداوم زندگی، مردم جدید بیشتری از خود نشان دهند. عمده‌ترین منبع درآمد لرستان در گذشته دامداری و کشاورزی بود که این خود مستلزم زمین‌های حاصلخیز و شرایط مناسب کوچ‌نشینی در این استان به لحاظ آب‌وهوای متنوع آن بوده است. البته در دوره‌های باستان ساخت ظروف مفرغی و برنزی از لحاظ تجارت موجب رونق اقتصادی گردیده است. «در دوره تسلط کاسی‌ها بر بابل، هنگامی که قافله‌هایی از لرستان به جانب مصر آمد و شد کردند، ثروت به دره‌های آنجا روی‌آور شد.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۱، ۵۲)

در عهد باستان در دوره‌ی کاسی‌ها که مورخین آنها را ساکنین لرستان یاد کرده‌اند، اسب و فروش آن نیز کمک قابل توجهی به اقتصاد مردم این مرزوبوم داشته است. «... در بابل در اسنادی که مربوط به آغاز دوره‌ی نفوذ کاسی‌ها است، از اسب نام برده می‌شود.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۱، ۳۷) عمده‌ترین محصولات کشاورزی لرستان را می‌توان گندم، جو، ماش و عدس ذکر کرد.

لرستان در گذر ادوار باستان (عیلام و ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی)

عیلامی‌ها و کاسی‌ها که در بخش‌هایی از لرستان سکونت داشته‌اند را می‌توان قدیمی‌ترین ساکنین لرستان به شمار آورد که نام آنها در متون تاریخی ثبت شده است. نخستین قومی که بر لرستان حاکمیت داشته است، عیلامیان بوده‌اند. دولت عیلام که شامل خوزستان، لرستان و کوه‌های بختیاری و فارس بوده است که «خایدالو» نام سابق خرم‌آباد فعلی یکی از عمده‌ترین شهرهای حکومت عیلام به حساب می‌آمده است. قوم دیگری که همزمان با عیلامی‌ها بر بخش‌هایی از لرستان تسلط داشته، کاسی‌ها بوده‌اند. در مورد ریشه نژادی این قوم که گویا در مناطق شمالی و غربی لرستان اقامت داشته‌اند، اختلاف نظر وجود دارد که عمدتاً آنها را شعبه‌ای از اقوام آریایی پنداشته که پیش از دیگر اقوام آریایی ماد و پارس به ایران مهاجرت کردند. «... در پشتکوه (سرزمین کاسی‌ها) و تپه غلام لرستان، کارگاه‌هایی کشف گردید.» (هوار، ۱۳۷۵، ۲۷)

در مورد زادگاه اصلی کاسی‌ها این قول مطمئن‌تر است که: «زادگاه اصلی کاسی‌ها، تقریباً بخش مرکزی رشته کوه‌هایی بود که امروزه کوه‌های لرستان معروف است.» (گیرشمن، ۱۳۷۹، ۵۵) کاسی‌ها توانستند در گذر زمان قدرت خود را افزایش داده و علاوه بر مناطق ایران برای مدتی بر بین‌النهرین تسلط یابند. «در قرن هجدهم پ.م. (۱۷۴۱) یورش‌های قبیله‌ای دیگر به بین‌النهرین آغاز شد، کاسی‌ها که ظاهراً در لرستان کنونی می‌زیستند، در آنجا کاسی‌ها یا کوسایی‌ها تا زمان اسکندر باقی مانده

بودند. در زمان پادشاه کاسی‌ها، آگوم دوم بین‌النهرین زیر سلطه کامل کاسیان قرار گرفت.^۱ (شالگونی، ۱۳۸۶، ۹۷)

کاسی‌ها توان فوق‌العاده‌ای در ساخت مصنوعات مفرغی بدست آوردند، آنان مهم‌ترین قبایل کوهستانی زاگرس شمرده می‌شدند و پیشه دامداری داشتند و با زبانی که با عیلامی قرابت داشت سخن می‌گفتند. آنان سوارکارانی دلیر و جنگجو بودند و بارها با همسایگان خود از جمله عیلام و بابل درافتادند، حتی دولت بابل را سرنگون کردند اما خود بدست عیلامی‌ها سقوط نمودند و به سرزمین کوهستانی خود یعنی لرستان بازگشتند. «در عهد سلطنت شوتروک ناهونته، قدرت و اعتبار عیلام به اوج شهرت می‌رسد که معابدی در تمامی شهرهای مهم قلمرو خویش می‌سازد و با پیشی گرفتن از آشور، بابل را تصرف و آخرین پادشاه کاسی را واژگون کرد.» (گیرشمن، ۱۳۷۹، ۵۷) اما برخی نیز معتقدند که کاسی‌ها از جایی نیامده‌اند بلکه بومیان لرستان بوده‌اند. «کاسی‌ها نه از جایی آمده‌اند نه آریایی بودند بلکه ایرانیان اصیل و بومیان و وارثان حقیقی سرزمین خود یعنی لرستان بودند.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۵۲، ۱) در دیگر منابع نیز اشاراتی به قدمت سرزمین لرستان گردیده است، «در زمان قدیم ساکنان این سرزمین قومی بود از نژاد غیر آریین که به اسم کوسی^۱ نامیده می‌شد.» (بارتولد، ۱۳۷۲، ۱۹۵)

با توجه به مطالب گفته شده، چه کاسی‌ها ساکن خود لرستان بوده باشند چه اقوام آریایی باشند که در این منطقه سکونت اختیار کرده‌اند، را می‌توان صاحب قدرت و حکومتی دانست که نه تنها بر منطقه لرستان بلکه سال‌ها بر تمدن بین‌النهرین حکمرانی نموده است و توانسته نام خود را در تاریخ باستان ایران زمین به اثبات برساند. کاسی‌ها در دوران حکومت‌های ماد و هخامنشی، همچنان استقلال و اقتدار خویش را حفظ نموده و شاهان هخامنشی که می‌خواستند جهت لشکرکشی به سایر نقاط سپاهی را از قلمرو آنها عبور دهند مجبور بودند به روسای این قوم باج بپردازند. «این اقوام در لشکرکشی‌های هخامنشیان برای کشورگشایی، شرکت داشتند و یا در حراست از مرزها خدمت می‌کردند.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۱، ۵۸) کاسیان در زمان هخامنشیان همه ساله از شاهان این سلسله انعام و هدایایی در جهت خدمت صادقانه دریافت می‌کردند.

بطور کلی راجع به فرمانروایی مادها و هخامنشیان در لرستان اطلاع زیادی در دست نیست. هنر لرستان در دوران هخامنشی حائز اهمیت است. «از حلقه‌ی نخستین نشانه نقاشی‌های غار دره میرملاس،... تا اشیاء و ظروف نقره‌ای عهد هخامنشیان که اخیراً از «کلماکره» بدست آمدند.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۱، ۶) پس از حمله اسکندر به ایران و سقوط هخامنشیان و پیشروی اسکندر در سایر نقاط ایران، اسکندر را با کاسی‌های لرستان روبرو کرد. «... قسمتی از سپاه تحت فرمان خود اسکندر بود و قسمت دیگر را بطلیموس فرمان می‌داد. کاسیان برای اینکه اسرای خود را پس بگیرند، بی‌هیچ

شرطی مطیع و تسلیم گشته. «پیرنیا، ۱۳۸۱، ۲، ۱۹۰۸) گرچه کاسیان در برابر اسکندر تسلیم شدند اما پس از مرگ اسکندر دوباره آزادی خود را بدست آوردند.

لرستان در دوره اشکانیان و ساسانیان از لحاظ تقسیمات کشوری جزو سرزمین «پهله» یا «پهلوی» محسوب می‌شد. «در زمان ساسانیان ناحیه وسیعی از مرکز ایران را که اصفهان، ری، همدان، نهاوند، آذربایجان و یا به گفته دیگر همدان، ماسبندان (قسمتی از لرستان امروز) و قم و ناحیه بصره و سیمره و کرمانشاهان جزو آن بود، پهلوی می‌گفتند و پهلوی منسوب به همین سرزمین است.» (نفیسی، ۱۳۸۳، ۲۸۳) سرزمین پهله پس از سقوط ساسانیان و حضور اعراب در ایران به جبال معروف شد. «در دوره ساسانیان نیز این نام باقی بود و ظاهراً همان محدوده است که یونانیان آن را زاگرس می‌گفتند. این پهله در دوره اسلامی به دلیل آنکه بیشتر نواحی آن کوهستانی است جبل یا جبال نام گرفت.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۱، ۶۷) مورخین در دوره اسلامی برای منطقه جبال نواحی مختلفی ذکر کرده‌اند، «جبال عبارت از شهرهای: طبرستان، ری، قزوین، زنجان، قم، اصفهان، همدان، نهاوند، دینور، حلوان، ماسبندان، مهرجا نقدان، آذربایجان» (یعقوبی، ۱۳۶۶، ۱، ۲۱۸)

پس از سقوط ساسانیان وضعیت سیاسی لرستان نیز دستخوش تغییر گردید. «حاکمی که از طرف شاه ساسانی بر این ناحیه فرمانروایی داشت از خاندان معروف فیزوان انتخاب می‌گشت که خوزستان را نیز اداره می‌کرد. این وضع تا زمانی که اعراب به خوزستان و لرستان هجوم آوردند باقی بود. در زمان عمر خلیفه عرب طومار امارت خاندان فیروزان درهم نوردیده و از این زمان لرستان حاکم‌نشینی از ایالت کوفه به شمار می‌رفت.» (ساک، ۱۳۴۳، ۳۳۹)

به لحاظ موقعیت جغرافیایی لرستان و کوه‌های آن به مانند دیوار دفاعی و استوار در برابر یورش بیگانگان عمل می‌کرد. ساخت دژها و راه‌های ارتباطی در گذرگاه‌های حساس می‌تواند این مطلب را به اثبات برساند. غرب لرستان در دوره ساسانیان بیشتر اهمیت داشت و شامل دو بخش ماسبندان یا ماسپنان و مهرجان قذق یا مهرگان کده بود که امروزه آنها را جزو پشتکوه بحساب می‌آورند و بخش شمال یا پیشکوه دو مرکز مهم داشت یکی خاوه، دلفان و الیستر که از هزارهای پیش مرکز کاسیان بود و دیگری شاپورخواست است.» (به نقل از ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۱، ۶۷) در واقع مسیرهای ارتباطی به کرمانشاه و خوزستان خصوصاً منطقه شوشتر در این دوره دارای اهمیت بوده است.

هنر و آثار باستانی لرستان در عهد باستان

در میان خرابه‌های تمدن گذشته‌ی لرستان، هنر مسحورکننده و فریباست، هنر سفال‌سازی و مفرغ و نقاشی از برجسته‌ترین هنرهای لرستان در عهد باستان می‌باشد. اما سفال به دلیل عدم توجه به کیفیت ساخت آن چندان نتوانسته بدرخشد. «اکنون دانشمندان و محققان به اتفاق مفرغ‌های لرستان را به کاسی‌ها نسبت می‌دهند.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۱، ۳۸) بیشترین اهمیت برنزهای لرستان در جنبه‌های اعتقادی سازندگانش جلوه می‌کند که دیدگاه و نگرش درونی خود را به تصویر می‌کشد. مهم‌ترین ویژگی مفرغ‌های لرستان شکل ظاهری و پیچ‌درپیچ تزئیناتی آنهاست که در قسمت پایانی نمونه‌ای از این مفرغ‌ها را نشان داده‌ایم. (شکل شماره ۲، ۱۷)

اگرچه آثار مکتوبی در مورد کاسی‌ها و لرستان چندان به چشم نمی‌خورد، اما آثار بجای مانده از عهد قدیم، خود زبان گویایی است در تعریف آنچه گذشته است. غارهای لرستان و نقوش این سرزمین قدمتی به درازی تاریخ دارند. «غارهای لرستان را می‌توان به لحاظ اعتقادی مشابه با آثار موجود در غارهای آلتامیرا و لاسکو دانست... نقوش غارهای لرستان عمدتاً متوجه صحنه‌های شکار و تصویر حیوانات گوناگون چون گوزن و آهوست... این نقوش بیشتر شبیه نقوش مکشوفه در صخره‌های شرق اسپانیاست.» (تجویدی، ۱۳۵۲، ۳۵۵)

در زمینه نقاشی هم در دوره‌های اشکانی آثاری در لرستان بر جای مانده است. «در جنوب دهکده و تنگه «کرشورآب»^۱ واقع در منتهی‌الیه جنوبی بخش چگنی، کوهی است مرسوم به «دوشه»^۲ که امتداد غربی آن به دهکده‌ی «سرخ دم» کوه‌دشت و دنباله شرقی آن به مرز باختری طرحان و جاده سراسری و آثار پل تاریخی «کلهر»^۳ منتهی می‌شود.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۲، ۱۷۳) در کوه دوشه آثار نقاشی به دوره‌ی اشکانی روی ظروف سفال شکسته کشف گردیده است. معروف ترین آثار باستانی به جای مانده از عهد باستان در لرستان عبارتند از: قلعه‌ها- پل‌ها- راه‌ها.

قلعه فلک‌الافلاک: سابقه پیدایش قلعه در ایران به دوره کوچ‌نشینی ساکنان آن برمی‌گردد. قلعه‌ها با انگیزه‌های مختلف ساخته می‌شدند، گاه سلاطین محلی، خاندان‌های قدیمی به مناطق یکدیگر حمله‌ور می‌شدند و گاه دزدان و راهزنان جان و مال مردم را به خطر می‌انداختند. پس کوچ‌نشینان سرزمین ایران برای حفظ جان و مال خود به ساخت دیوارهای بلندی اقدام کردند که آنها را از حملات متجاوزان در امان دارد. در زمینه پیدایش قلعه در ایران آمده است: «از آغاز دوران تاریخی، در هزاره اول پیش از میلاد و پیرامون دهکده‌ها نیز حصار کشیده می‌شد. این کار نخست برای مصون ماندن از حمله راهزنان و جانوران وحشی بود، ولی بعدها عمدتاً برای دفاع در مقابل هجوم دشمنان صورت گرفت.» (میرسلیم، ۱۳۷۱، ۲۴۰) اغلب قلعه‌های کوهستانی را دژها تشکیل می‌دادند، عموماً بر بالای کوه‌ها ساخته می‌شدند و شکل آنها به وضع طبیعی کوه بستگی داشت.

1- Karsurow
2- Dosa
3- Kalahor

در لرستان بقایای دژهایی به چشم می‌خورد که نشانگر میزان اهمیت فوق‌العاده‌ی این ناحیه در گذشته است. «سابقه ساخت قلعه در لرستان به هزاران سال پیش می‌رسد.» (فرشاد، ۱۳۶۵، ۲، ۷۵۵) واژه فلک‌الافلاک در فرهنگ‌های لغت به معنای فلک نهم که آن آسمان همه آسمان‌هاست، آمده است. «سپهر سپهران و در زبان شرع به معنای عرش آمده است.» (دهخدا، ۱۳۳۴، ۱، ۳۲) قلعه فلک‌الافلاک که نام دژی در لرستان است در ادوار گوناگون اسامی متعددی داشته است چنانچه ابتدا به نام شهر «شاپورخواست» آن را دژ شاپورخواست. (حموی، ۱۳۶۲، ۱۰۹) و سپس به دنبال ویرانی شهر شاپورخواست و بنای شهر خرم‌آباد بنام شهر جدید قلعه خرم‌آباد نام گرفت. عنوان فلک‌الافلاک در زمان محمدعلی میرزا فرزند ارشد فتحعلی شاه به این قلعه داده شد، متأسفانه تاکنون هیچ سندی یا مدرکی دال بر تاریخ ساخت بنا بدست نیامده است.

قدیمی‌ترین سند مکتوب که اشاره به فلک‌الافلاک تحت عنوان «قلعه شاپورخواست» نموده، کتاب «مجم‌التواریخ‌والقصص» است، که مربوط به قرن ششم هجری می‌باشد، اما برخی معتقدند با توجه به نوع معماری قلعه ساخت این قلعه به دوران قبل از اسلام بر می‌گردد. «اینگونه قلعه‌های مستحکم در ایران باستان ساخته شده و در کتب تاریخی آمده است که شاهان ساسانی اصولاً خط دفاعی ایران را در مقابل حمله اعراب سلسله کوه زاگرس قرار داده بودند و در طول این مسیر به فاصله‌های متفاوتی دژهای محکم و مهمی ایجاد کرده بودند از جمله این دژهای مهم که گویا حالت فرماندهی نیز داشته است، قلعه شاپورخواست بوده است.» (فتحی، ۱۳۷۲، ۷)

برخی نیز با توجه به آثار و ابنیه تاریخی موجود در منطقه و بقایای پل‌ها و راه‌های ارتباطی آن زمان تاریخ بنای قلعه را به دوره ساسانیان و حتی پیش از آن نسبت می‌دهند. «بر این مبناست که می‌توان ایجاد اولین بنای حفاظتی بر روی تپه فلک‌الافلاک را حتی در ادوار قبل از استیلای ساسانیان متحمل و این مکان بسیار مناسب را ولو در سطحی محدود از قدیم‌الایام محل یکی از استحکامات اولیه حفاظتی این دره قدیمی دانست.» (غضنفری، ۱۳۷۰، ۱، ۵۱) پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که: «بی‌شک قلعه‌ای که هم اکنون به فلک‌الافلاک مرسوم است، همان است که در گذشته به نام شهر قدیمی شاپورخواست مشهور بوده است.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۲۱، ۱۰۰)

قلعه فلک‌الافلاک در اهمیت نظامی منطقه پیرامونش تاثیرگذار بوده است. «خود قلعه فلک‌الافلاک، از لحاظ وضعیت نظامی و طرز حفاظت این جلگه، اهمیت فوق‌العاده‌ای را داراست. چه از قلعه مذکور کلیه معابر اطراف را می‌توان دفاع نمود و در ضمن قلعه دارای چشم‌انداز وسیع و مطولی می‌باشد.»

(رزم‌آرا، ۱۳۲۰، ۱۸۴) (نمایی از قلعه فلک الافلاک در قسمت پایانی نشان داده شده است. شکل شماره ۳، ۱۸)

پل‌ها: معروف‌ترین پل‌های لرستان را می‌توان پل کشکان، پل کر و دختر، پل دختر، پل شاپوری و پل گاومیشان دانست.

پل کشکان: بر روی رودخانه کشکان و بین راه خرم‌آباد و کوه‌دشت است.

پل کر و دختر: یکی از بزرگ‌ترین پل‌های دوره ساسانی به شمار می‌رود که بر روی رودخانه صیمره ساخته شده است.

پل دختر: در زمان ساسانیان ساخته شده است، بر روی رود صیمره که لرستان را به کرمانشاه متصل می‌کند.

پل شاپوری: بر روی رودخانه خرم‌آباد در زمان ساسانیان ساخته شده است.

پل گاومیشان: در دوره ساسانیان ساخته شده و وجه تسمیه آن به مناسبت پرورش گاومیش در کنار رودخانه بوده است. (به نقل از رشیدیان، ۱۳۸۱، ۴۱)

راه‌های ارتباطی: از زمان تجلی نخستین جلوه‌های فرهنگ تمدن بشری تاکنون، لرستان موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای را دارا بوده است. این سرزمین از دوره کاسی‌ها دولتی مقتدر و نامدار بوده است. لرستان در مسیر دو شاهراه شمال به جنوب و باختر به خاور قرار داشته است. «در زمان داریوش نیز یک شاخه از راه‌های ارتباط بین سه پایتخت شوش، همدان و تخت جمشید از لرستان می‌گذشت.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۲، ۷) راه‌های ارتباطی لرستان از شمال به جنوب، از غرب به شرق تقسیم می‌شوند: «از همدان به رود راور ۷ فرسخ است و از رود راور تا نهاوند ۷ فرسخ، از نهاوند تا لاشتر ۱۰ فرسخ و از لاشتر تا شاپورخواست ۱۲ فرسخ است و از آنجا تا لور ۳۰ فرسخ و در فاصله شاپورخواست و لور، شهری یا قریه‌ای نیست. از لور تا پل انداش ۲ فرسخ و از این پل تا جندی‌شاپور ۲۰ فرسخ است.» (ابن حوفل، ۱۳۶۶، ۱۰۴)

راه شمال به جنوب: این راه کوهستانی است و از نهاوند به گاماسب و از آنجا به قتل مهم کوه‌گری می‌رسد و دو شعبه می‌شود، شعبه غربی به بخش دلفان و شعبه دیگر آن پس از گذشتن از تنگه «ده آتش» به دشت الشتر منتهی می‌گردد و از الشتر به سمت شاپورخواست ادامه می‌یابد. «این همان راه باستانی است که شوش را به همدان پایتخت تابستانی هخامنشیان می‌پیوست.» (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۲، ۱۱)

راه غرب به شرق: این راه نیز یکی از شاهراه‌های باستانی است، این راه در دوره ساسانیان اهمیت بیشتری داشته است. دلیل آن می‌تواند وجود چند پل بر روی رودهای این منطقه باشد. «مسیر کوچ کاسی‌ها و بعد راه عیلامی‌ها و پارت‌ها و ساسانی‌ها و عرب‌ها بوده است. شاید کدور نانخرتا پادشاه عیلام پس از شکست از آشوری‌ها از این راه به جانب «خایدالو» در دشت خرم‌آباد عقب نشست.» (ایزدپناه به نقل از ماسپرو، ۱۳۷۶، ۱۳) راه شرقی به شهر شیروان می‌رفته است. بطور کلی

راه‌های اصلی همه راه‌های مهمی بوده‌اند که در طول زمان پیش از تاریخ و دوره تاریخی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند و همیشه پادشاهان سعی در امنیت این راه‌ها داشته‌اند و برای بهبود آنها تلاش نموده‌اند. وجود پل‌ها و دژها خود دلیلی است بر اثبات این سخن.

شهر شاپورخواست

در واقع می‌توان دو عامل را در شکل‌گیری شهرها موثر دانست، یکی عوامل اقتصادی و فرهنگی، دوم عوامل جغرافیایی. شهر شاپورخواست چون از لحاظ سوق‌الجیشی منطقه مناسبی می‌باشد می‌توان علت وجودی آن را بر مبنای عوامل جغرافیایی دانست. «وضع برجستگی و شکل ناهمواری و ارتفاع زمین با همان استحکامات طبیعی بر بنای این شهر موثر بوده است.» (رشیدیان، ۱۳۸۱، ۲۰) شاپورخواست یکی از شهرهای مهم عهد ساسانی است که شاپور آن را بر خرابه‌های خایدالوی سابق بنا کرد. «... گفته شده است شاپورخواست توسط «شاپور اول» پادشاه ساسانی بنا نهاده شده است.» (ابن‌بلخی، ۱۳۸۵، ۶۳) از اوضاع و احوال این شهر در دوره ساسانی اطلاع چندانی در دست نیست. «... شاپورخواست بر سر شاهراه خاور به باختر و شمال به جنوب ساخته شده و شاید مرکز پشتکوه بوده است.» (ایزدینا، ۱۳۷۶، ۶۷)

بقایای آثار و ابنیه‌های بجا مانده از این شهر، حاکی از آن است که شهری معتبر بوده است. این شهر تختگاه شاهان بوده و مردم از هر طبقه و با هر نوع اعتقادی آزادانه در آن زندگی می‌کردند و چند قرن پس از اسلام، هنوز دارای موقعیت سیاسی و تجاری خوبی بود. مورخین زیادی به شاپورخواست و ساخت آن توسط شاپور اشاره کرده‌اند. «... در سیرالملوک چنان است که شاپور اردشیر بود و الله اعلم، اما همتی بزرگ داشت اندر داد و انصاف... شهرهای بسیار کرد چون شاپور و نیشابور و بدان اندیوشاپور و شاپورخواست و بلاش شاپور.» (مجم‌التواریخ، ۱۳۸۳، ۶۴)

نام‌های مختلفی از جمله سابرخواست، شاپرخواست، شاپورخواست، شاپورخواست برای شاپورخواست در کتب بکار برده شده است. «... از نیاوند تا لاشر تا شاپرخواست، دوزاده فرسنگ و از شاپرخواست تا لور ۳۰ فرسنگ، هیچ آبادی نیست.» (اصطخری، ۱۳۶۸، ۱۶۳) می‌توان گفت اکثر جغرافی‌نویسان عرب‌زبان از یک نام برای معرفی شاپورخواست استفاده کرده‌اند، «شاپورخواست که جغرافی‌نویسان عرب آن را «سابورخواست» نوشته‌اند.» (لتیرینج، ۱۳۹۰، ۲۱۷) شاپورخواست حتی پس از سقوط ساسانیان بدست اعراب مسلمان، همچنان به اهمیت و اقتدار و آبادانی خود ادامه داد. «پس از هجوم اعراب هنوز این شهر آبادان بود، بویژه در دوران حکام دیالمه به این شهر توجهی خاص گردید. شهر

شاپورخواست نیز بتدریج رونق و آبادانی خود را از دست داد و به ویرانه‌ای مبدل گردید. «... و شاپورخواست در اول شهری بود و از هر جنس مردم بسیار در آنجا بودند و بغایت معمور و آباد و تختگاه پادشاهان و اکنون قصبه است.» (مستوفی، ۱۳۳۹، ۵۶۲)

با توجه به آنچه در منابع آمده است می‌توان تغییر نام و محل شهر شاپورخواست به خرم‌آباد به یقین طی قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم هجری صورت گرفته باشد، چراکه حمدالله مستوفی در کتاب نزهةالقلوب خود که ده سال بعد از کتاب تاریخ گزیده‌اش به رشته تحریر درآورد، آنجا که شهرهای لر کوچک را برشمارد از شاپورخواست دیگر نامی نمی‌برد و برای نخستین بار از خرم‌آباد نام می‌برد. «... خرم‌آباد شهری است ویران.» (مستوفی، ۱۳۶۵، ۳۷۰) از این تاریخ به بعد است که شهر خرم‌آباد، جایگزین شهر شاپورخواست شده و بتدریج رو به توسعه و عمران می‌نهد بطوری که ساکنان شهر شاپورخواست، به احتمال، خانه‌های خود را ترک نموده و در اطراف قلعه سکونت اختیار می‌کنند. در این تغییر و تحول نخستین نقش قلعه فلک‌الافلاک نباید نادیده گرفته شود که به عنوان مرکز حکومتی و کهن دژ شهر تازه وارد عنصر نوین از تاریخ پر فراز و نشیب خود می‌شود و بعنوان سمبل و نشانه خرم‌آباد نامش قرین این شهر می‌گردد. از آثار شهر شاپورخواست می‌توان به آثار ساخته شده در عصر ساسانیان استناد کرد، بناهایی چون: پل شاپوری که شرح آن در قسمت قبل داده شد، گرداب سنگی و آسیاب بابعلی که از سنگ و ملاط به سبک بناهای ساسانی ساخته شده‌اند و از آثار بجای مانده از دوره اسلامی در شهر شاپورخواست یا خرم‌آباد فعلی می‌توان به سنگ نوشته در قرن ششم و مناره در قرن پنجم هجری اشاره کرد. با توجه به آنچه در کتب آمده است و از روی دیوارهای خراب شده و آثاری که بر جای مانده است، محل اصلی شهر شاپورخواست در خرم‌آباد فعلی منطقه قاضی‌آباد و میدان شقایق می‌باشد.

نتیجه

موقعیت جغرافیایی می‌تواند دلیل موثری در شکل‌گیری یک شهر و سرزمین و انسان‌های ساکن در آن منطقه باشد. سرزمین کوهستانی لرستان از این اصل مستثنی نیست، لرستان با دو نمونه آب‌وهوایی سرد و گرمسیری که موجب شکل‌گیری شهرها در پیرامون کوه‌های سر برافراشته‌ی این سرزمین گردیده بود. با توجه به موقعیت جغرافیایی و محل ارتباط شمال، جنوب و غرب توانسته نام خود را در تاریخ جغرافیایی زنده نگه دارد. کوه‌ها و رودها و راه‌های ارتباطی لرستان خود دلیلی بر اثبات این سخن می‌باشد. قلعه شاپورخواست که به لحاظ امنیتی بر بلندای کوه ساخته شده بود، به مرور زمان منجر به آن شد که مردم گرد این قلعه (دژ) تجمع کنند و با گذشت زمان شهری به همین نام (شهر شاپورخواست) پیرامون قلعه به وجود آید و از آن پس شهر شاپورخواست نام گرفت که نقش‌های تاریخی مختلفی در ادوار باستان داشته است.

سابقه تاریخی لرستان که به دوران کاسی‌ها و عیلامی‌ها بر می‌گردد می‌تواند اهمیت منطقه را در هر دوره از حکومت‌های باستان به تصویر بکشد، سرزمین «پهله» یا «پهلوی» که در دوره‌ی اشکانیان به

این منطقه داده شده بود نشان از اهمیت تاریخی و جغرافیایی این مرزوبوم نزد حکومت های غالب مملکت ایران بود. اهمیت شهر شاپورخواست بیشتر به دوران ساسانیان و زمان شاپور یکم می‌رسد که این شهر را بر خرابه‌های خایدالوی سابق ساخت و رونق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی منطقه را دوباره به این آب‌و‌خاک داد. باید متذکر شد که:

معروف‌ترین شهر لرستان در عهد باستان خایدالو بوده است که بعدها به شاپورخواست و خرم‌آباد تغییر نام داده است.

وجود رودهای پر آب و کوه‌های سر به فلک کشیده از شرایط مناسب آب‌وهوایی جهت زیست انسان‌ها و پرندگان و حیوانات در این منطقه خبر می‌دهد.

پل‌های ساخته شده در عصر ساسانی در لرستان نشان از اهمیت سیاسی و ارتباطی این سرزمین دارد. سرزمین لرستان از شمال غرب به کرمانشاه و از شمال به نهاوند و از جنوب غربی به خوزستان و از شرق به اصفهان متصل می‌شود که در عهد باستان جهت مراودات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاثیرگذار بوده است.

در لشکرکشی‌های شاهان در حکومت‌های مختلف، چون داریوش هخامنشی این سرزمین راهی برای عبور سپاهیان بوده است.

مردم لرستان عموماً لر زبان و لک زبان می‌باشند.

با توجه به آنچه گفته شد لرستان چه در گذشته و چه در دوران پس از آن اهمیت جغرافیایی، تاریخی و سیاسی نزد حکومت‌ها داشته است این سرزمین جامه‌ای پوشیده از تنوع آب‌وهوایی بر تن دارد و دارای تاریخی کهن و یادمان‌های بجا مانده است. به مانند: قلعه‌ها، پل‌ها، راه‌ها که نشان از توان بالای شرایط جغرافیایی و تاریخی شگرف دارد.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۵۲)، تاریخ‌الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، انتشارات علمی.
- ۲- ابن بلخی، (۱۳۸۵)، فارسی‌نامه، تصحیح گای لسترنج و رینولدالن نیکلسون، تهران، اساطیر.
- ۳- ابن حوقل، محمدبن علی، (۱۳۶۶)، صوره‌الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، امیرکبیر.
- ۴- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۶۸)، به اهتمام ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- ایزدپناه، حمید، (۱۳۷۶)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، ج ۱ و ۲، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ۶- بارتولد، و، (۱۳۷۲)، تذکره‌ی جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران، توس.
- ۷- پیرنیا، حسن و اقبال، عباسی، (۱۳۷۰)، تاریخ ایران، تهران، انتشارات خیام.
- ۸- تجویدی، اکبر، (۱۳۵۲)، نقاشی ایرانی از کهن‌ترین روزگار تا دوره‌ی صفویه، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.
- ۹- حموی، یاقوت، (۱۳۶۲)، برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، آگاه.
- ۱۰- دمورگان، زدک، (۱۳۳۹)، جغرافیای غرب ایران، ترجمه کاظم ودیعی، تبریز، چهر.
- ۱۱- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۳۴)، لغت‌نامه، تهران، انتشارات سیروس.
- ۱۲- رزم‌آرا، علی، (۱۳۲۰)، جغرافیای نظامی ایران و لرستان، تهران، بینا.
- ۱۳- رشیدیان، علی‌محمد، (۱۳۸۱)، خرم‌آباد در گذر جغرافیای انسانی، خرم‌آباد، افلاک.
- ۱۴- ساکی، علی‌محمد، (۱۳۴۳)، جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان، خرم‌آباد، بی‌نا.
- ۱۵- شالگونی، بهرام، (۱۳۸۶)، تاریخ ایران دوره ماد(تاریخ کمبریج)، تهران، جامی.
- ۱۶- غضنفری، حسین، ملکی، مهرداد، (۱۳۷۰)، مطالعه اجتماعی فرهنگی لرستان، تهران، پوریا.
- ۱۷- فتحی، رضا، (۱۳۷۲)، قلعه فلک‌الافلاک یا دژ شاپورخواست، مجله دانستنی‌ها، تهران، آذر ۷۲، شماره ۱۲.
- ۱۸- گیرشمن، رومن، (۱۳۷۹)، تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمود بهروزی، تهران، جامی.
- ۱۹- لسترنج، گای، (۱۳۹۰)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۰- مجمل‌التواریخ‌والقصص، (۱۳۸۳)، به تصحیح محمدتقی بهار(ملک‌الشعرا)، تهران، دنیای کتاب.
- ۲۱- مستوفی، حمدا...، (۱۳۶۵)، نزهةالقلوب، به اهتمام گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب.
- ۲۲- مستوفی، حمدا...، (۱۳۳۹)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران، امیرکبیر.
- ۲۳- میرسلیم، سید مصطفی، (۱۳۷۱)، دانشنامه جهان اسلام، جزوه دوم حرف ب، تهران.
- ۲۴- نفیسی، سعید، (۱۳۸۳)، تاریخ تمدن ایران ساسانی، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، تهران، اساطیر.
- ۲۵- هوار، کلمان، (۱۳۷۵)، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.
- ۲۶- یعقوبی، احمدبن‌یعقوب(ابن‌واضح)، (۱۳۶۶)، تاریخ یعقوبی، ترجمه ابراهیم آیتی، جلد ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی